

## مروری بر آراء راندل کالینز

### مژگان عظیمی هاشمی

**چکیده:** رویکرد کالینز به عنوان یک نئوبرین، توسط خود وی جامعه شناسی خرد رادیکال نامیده شده است. وی پیوند خرد و کلان را به عنوان یک قاعده تجربی مسئله نظری قلمداد می کند از نظر او ساختارهای اجتماعی را می توان از نظر تجربی الگوهای کنش متقابل خرد و تکراری دانست. رویکرد کالینز به نظریه تضاد این است که سعی می کند توجه را از ساختارها به سمت کنشگران و کنش هایشان سوق دهد. او تضاد را یک فرآیند اساسی در زندگی اجتماعی می داند نظریه تضاد او بیش از آنکه تحت تاثیر مارکس باشد تحت تاثیر وبر دورکیم، پدیدار شناسی و روش شناسی مردم نگارانه است. دارایی و قدرت در مدل زنجیره ای مناسکی تعامل منابع هویتی ساختی است که تعیین کننده رفتارهای افراد در موقعیت هاست.

### کلید واژه ها: زمینه مناسکی تعامل، فرد و کلان، دارایی، قدرت، فضای تضاد، بمران اعتباری

**مقدمه:** کالینز به خاطر توجه به مسئله قشر بندی در زمره نئوبرین ها فرار می گیرد. وی رویکرد خود را جامعه شناسی خرد رادیکال می نامد. زنجیره های مناسکی تعامل یا دسته هایی از زنجیره های فردی تجربه کنش متقابل که به موازات جریان یافتن در زمان و مکان همدیگر را قطع می کنند. (ریترز به نقل از کالینز ۱۹۸۱: ۹۹۸). وی سطوح بیش از اندازه خرد اندیشه و کنش را رد کرده و به نقد نظریه هایی مانند مبادله و پدیدار شناسی از این منظر پرداخته و از سوی دیگر از نظریه های کلان و از جمله کارکرد گرایی ساختاری جهت تعلق به پدیده کلان عینی (ساختار) و کلان ذهنی (هنجار) انتقاد می کند. از نظر او ساختارهای اجتماعی را می توان از نظر تجربی الگوهای کنش متقابل خرد و تکراری دانست که از نظر گیدنز وی نهایتا خواستار پیروی نظریه خرد و پدیده های در سطح خرد می شود (ریترز، ۱۹۸۰: ...). خدمت کالینز به نظریه تضاد این است که عموماً در نظریه تضاد به ساختارها تاکید شده و وی سعی می کند تا نظریه تضاد را به سمت کنشگران و کنش هایشان سوق دهد. او تضاد را یک فرآیند اساسی در زندگی اجتماعی می داند و سطح تحلیل ساختار را به الگوهای کنش متقابل که کنشگر در آن پیوسته در حال آفریدن و باز سازی ساختار اجتماعی است می داند. نظریه تضاد او بیش از آنکه تحت تاثیر مارکس باشد تحت تاثیر وبر دورکیم، پدیدار شناسی و روش شناسی مردم نگارانه است.

### نظریه زنجیره های مناسکی کنش متقابل (تعامل):

وی پیوند خرد و کلان را به عنوان یک قاعده تجربی مسئله نظری (تئوریک) قلمداد می کند. ترجیح وی در رویکرد به موضوع، تعمیم تبیین های جهان تجربی است بنابر این او دو قطب را در تحقیق تشخیص می دهد تحلیل های تجربی تعاملات گفتگویی و غیر شفاهی از یک طرف و تحقیق های سنتی تر در زمینه ساخت های کلان سطح نظام جهانی، اقتصادی و سیاسی (کالینز، ۱۹۸۱: ۱۹۳). وی معتقد است جامعه شناسان خرد نمی توانند در مطالعه نظام جهانی، ساخت دولت یا هر موضوع کلان دیگر بدون استفاده از روشهای تحقیق خرد و یا استناد به تئوری خرد عمل کنند. ساخت های کلان یک سطح مجزای تحلیل در سطح عملی دارند. می توان در مورد عملکرد نظام جهانی، سازمانهای رسمی یا ساخت طبقاتی با انجام مقایسه های متناسب و تحلیل خود داده ها، تعمیم هایی انجام داد هر سطح می تواند بدون توجه به سطح دیگر ارتقا پیدا کند اما اگر بتوان نفوذ دو جانبه آنها در یکدیگر را به طور منصفانه ای نشان داد قدرت تبیین تئوری در هر دو سطح افزایش می یابد. وی از ترجمه خرد ساخت های کلان سخن می گوید (کالینز، همان: ۱۹۵). هر ساخت کلان از نظر وی تجربیات تعداد زیادی از افراد در زمان و مکان است. مفاهیم کلان همانند ملت، جامعه صنف و همانند آن قسمتی از گفتمان زندگی روزمره است و واژگانی است که ما برای تجمع های مواجهه های خرد به کار می بریم. از نظر کالینز ساخت کلان شامل چیزی بیش از تعداد زیادی از مواجهه های خرد نیست (تکرار یا گاهی اوقات تغییر در طی زمان و در مکان). ابعاد ساخت کلان شامل: تعداد اشخاص و مواجهه هایی که در آن درگیری شوند، میزان زمان ادامه داده شده و اختصاص یافته به مواجهه های مختلف و تکرار آنها و اشکالی که در فضای فیزیکی می سازند. از نظر وی اینها فقط متغیرهای کلان هستند و هر ترمینولوژی دیگر کلان مجازی است و نهایتاً به این صورت ترجمه می شود. (کالینز، همان: ۱۹۵). از نظر کالینز ساختها هرگز هیچ چیزی انجام نمی دهند فقط اشخاص هستند که در موقعیت واقعی عمل می کنند و باید در سطح خرد، فرایندهای نیرو زایی - هم آنهايي که علت تغییر ساختی است و هم آنهايي که مسئول حفظ، تولید و باز تولید ساختها

از یک موقعیت به موقعیت دیگر است- را نشان داد. از نظر وی تنها موضوع با اهمیت چگونگی ترکیب ساختهای کلان و تجمع های مواجهه های خرد و صورت بندی قوانین تعیین ساخت های کلان بر حسب تجمع های خرد در زمان و مکان و تعداد نیست (آنچنانکه کالینز در نوشته های قبلی ۱۹۷۵، ۱۹۸۱ خود بر روی این موضوع تاکید بیشتری داشته است) آنچه که وی در مقاله زنجیره های مناسکی تعامل بر آن تاکید بیشتری دارد این است که ترجمه خرد ساخت کلان، یک کاربرد معکوس و شاید حتی یک استفاده بیشتر واسطه ای دارد و آن اینکه، نشان دهد چگونه وقایع خرد رفتار افراد در موقعیت ها، خودشان به وسیله جایگاه آنان در شبکه های بزرگتر مواجهه های خرد (اطراف آنان در زمان و مکان)، تعیین می شود. به عبارتی به جامعه شناسی کلان در یک روش ریز دانه نگریسته شده و کلید فهم آنچه در حوزه جامعه شناسی خرد قرار دارد، می شود. در تئوری مناسکی تعامل (IR) ساخت های کلان به وسیله قواعدی که تجمع فرایندهای خرد در زمان، مکان و تعداد است، تبیین می شود. افراد در شبکه های مکانی و نزدیک به شکل انضمامی و خاص گرایانه- با یک چشم انداز محدود و یک نگرش سحر آمیز نسبت به زور و قدرت در جهان بزرگتر- فکر و گفتگو می کنند. توزیع چنین تجربیاتی اگر به شکل یک الگوی کلان نگاه شود یک بعد تبیین فرهنگ طبقه ای است. پویایی این قواعد از طبیعت مناسکی تعاملی یک فرآیند خرد منتج می شود. از نظر کالینز بین سطوح خرد و کلان یک پیوستار و نه یک دوگانگی وجود دارد. وقایع خرد موقعیتی هستند اما می توانند تکرار شده و در زمان و مکان و تعداد مواجهه ها، تجمع یابند. یک عنصر ساختی کلان تقریباً در همه فرایندهای خرد وجود دارد و تحت تاثیر: ۱- ترکیب فضایی که در آن واقع می شود مانند تراکم فیزیکی خود موقعیت تعاملی ۲- تعداد دفعات تکرار چنین موقعیت ها (یا انواع دیگر موقعیت ها) که در گذشته به وسیله این افراد تکرار شده است، واقع می شود. بنابراین این افراد به هر موقعیت خردی با یک پیشینه قبلی مواجهه ها (در موقعیت خرد دیگر) وارد می شوند و این پیشینه، چگونگی اتفاق در آن موقعیت خاص را رقم خواهد زد. قواعد تبیینی حول محور عددی، فضایی و زمانی ساخته می شود. از نظر وی ترجمه خرد (در برابر تقلیل خرد) ساخت های کلان از لحاظ تئوریک مناسب است. در مدل مناسکی تعامل (IR) موقعیت خرد تجربه فردی در درون جمع مواجهه های خرد است که ساخت کلان را می سازد. ترمینولوژی مذکور از گافمن اقتباس شده و اشاره به این دارد که تعاملات منحصر ابرزاری نیستند اما رویه هایی هستند که نمادهای معرف عضویت گروهی را هم تولید وهم مصرف می کنند. در بیشتر موقعیت ها ما به وسیله کدهای فرهنگی که با مردم گفتگو می کنیم محاط هستیم و این به انگیزه ها و منابع فردی که مواجهه گر با خود می آورد بستگی دارد. هر گفتگویی به سرمایه فرهنگی افرادی که در صحبت با یکدیگر وارد می شوند برخی چیزها را می افزاید، که این سرمایه می تواند برای گفتگوهای آتی ذخیره شود. علاوه بر این انواع گفتگویی که افرادی می توانند در آن مشارکت کنند، وجود دارد. بعضی بیشتر رسمی هستند، برخی جلوی صحنه ای و برخی پشت صحنه ای (گافمنی). برخی کاملاً صمیمی، برخی بی ارزش و عامیانه اند. انواع دیگر گفتگوهای یک عضو در شبکه قدرت یا علایق ایجاد شده در دوائر اجتماعی نسبتاً انحصاری است. محتوای پنهان گفتگوها یک مذاکره پیوسته در مورد عضویت اجتماعی شخص است. پرسش اساسی که باید در مدل های بازار یا شبیه مدل های بازار پاسخ داده شود، این است که مخرج مشترک همه انواع مبادلات گفتگویی چیست؟ از نگاه زنجیره ای مناسکی تعامل همه مشارکت کنندگان در فرآیند گفتگو هم سرمایه فرهنگی و هم انرژی احساسی داده شده در مکالمه های پیشین را جاری می سازند و منبع سومی هم وجود دارد که چرخشی است و اعتبار اجتماعی شخص و هویت اوست.

### بزرگ ترین سافت کلان دارایی و قدرت:

در مدل زنجیره ای مناسکی تعامل جایی که زنجیره های فردی افراد مختلف یکدیگر را قطع می کند به وسیله جمع شدن آنچه در زنجیره قبلی خود آنان وجود دارد تعیین می شود (جایگاه آنان در شبکه اجتماعی). در واقع نقش های اجتماعی و رفتارهای اکتسابی قبلی رفتارهای بعدی را تعیین می نماید. منابع واقعی این هویت های ساختی از نظر کالینز دارایی و قدرت است. از نظر وی دارایی یک مرکز فشارآور بر آینده موقعیت های خرد ساخت یافته است. در حقیقت آنچه موقعیت های خرد را نسبتاً رسمی تر یا ساخت یافته تر می سازد وجود دارایی است. از نظر وی دارایی بدون ارجاع به جزئیات قانونی و سند ومدک تعریف می شود. اینکه چگونه دارایی در موقعیت های خرد حضور می یابد؟ جایگاه مادی است که تعامل در آن واقع می شود و نشان دهنده پیوند همیشگی برخی افراد به آن جایگاههاست. یک بخش بزرگ ایفای نقش قابل استفاده نمودن محیط مادی و دادن علائمی است که به آن تعلق دارد و دیگران نمی توانند. علاوه بر این نوع جایگاه مادی اقتضاتی برای تعاملات درون خود را دارد. نمایش گافمنی خود بعضی اوقات منتسب به مدیریت تاثیر می شود که می تواند کنترل بر معانی تولید احساسی نامیده شود. زمانی که به معانی مادی ارتباطات می افزاییم ما یک دارایی مادی داریم که بعضی اشخاص دسترسی بهتری به شبکه های اجتماعی بزرگتر از دیگران دارند بنابراین این راهی باز می شود که دارایی را به قدرت

ترجمه نماییم. نه در سطح کلان بلکه به عنوان فرآیند خرد تجربی برخی از اشخاص از فرصت های تحرک بیشتر برخوردارند و بنابر این برای بالا رفتن تهدید اجباری دارند در حالیکه دیگران در انزوا قرار گرفته و کمتر می توانند قدرتشان را به کار برند. از نظر کالینز پیوستار خرد و کلان فقط یک تقسیم تحلیلی برای مشاهده گران جامعه شناختی نیست بلکه قسمتی از خود نظام قشر بندی است که دسترسی به ساخت کلان خودش طبقه بندی شده و در واقع بعد اساسی طبقه اجتماعی است. (کالینز، همان: ۲۰۳)

آنچه از مبارزه واقعی بر کنترل سازمانی کاملاً آشکار است انتخاب یک پیشنهاد موفق یا ناتوان مبتنی بر منابع مادی یک نزاع خاص است یعنی پیوند آن در شبکه مادی. برعکس آنچه وبر تاکید داشت هر سازمان به وسیله تحرک داوطلبانه یک گروه که دوام و بقایش را به عنوان وجود اجتماعی فقط به وسیله عادی شدن آن در شکل دارایی کسب نموده است، شکل می گیرد. اگر از روبرو شدن با جهان کلان به عنوان یک ساخت اجتماعی سؤال شود پاسخ کالینز دارایی است. که از نظر وی این پاسخ تئوریک، از نقطه نظر تئوری کلان ترجمه شده به خرد می باشد نه شیئی شدن تئوری کلان. و جامعه چیزی بیش از تعاملات خرد مجزی در زمان و مکان نیست.

### تضاد از منظر کالینز:

کالینز تضاد را یک فرآیند اساسی در زندگی اجتماعی می داند و سطح تحلیل آن را از ساختار به الگوهای کنش متقابل که کنشگر پیوسته در حال آفریدن و باز سازی ساختارهای اجتماعی است هدایت می کند. وی نظریه تضاد خود را با اصول مارکسیستی آغار می کند، شرایط مادی برسبک زندگی و نه تنها بر شرایط معیشتی که بر ماهیت گروهها در طبقات اجتماعی نیز تاثیر می گذارد. از نظر او این اصول، مبنایی برای نظریه تضاد و قشر بندی فراهم می کند و وبر به بسط نظریه مارکس می پردازد وبر نظام قشر بندی را چند بعدی (طبقه، قدرت و منزلت) دیده و به بسط نظریه سازمانها می پردازد. اهمیت وبر برای کالینز در اهمیتی است که وبر به نقش دولت به عنوان عامل نظارت ابزارهای اعمال خشونت قائل بود و توجهی که به فرآورده های عاطفی همانند دین در فرآیند تضاد داشت.

وی در بررسی تضاد سه اصل بنیادی را مطرح می کند:

- انسانها در جهان های ذهنی خود ساخته ای زندگی می کنند.
- انسانها قدرت تاثیرگذاری یا نظارت بر تجربه های ذهنی افراد دیگر را دارند.
- انسانها غالباً می کوشند افراد دیگری را که با آنها مخالفت دارند تحت نظارت خود در آورند (ریتزر، همان: ۱۷۵)

و بنابر این احتمالاً بین آنان تضاد رخ خواهد داد. بر این اساس پنج اصل را در زمینه تحلیل تضاد ذکر می کند:

۱- نظریه تضاد نباید بر صورت بندی های انتزاعی بلکه بر زندگی واقعی تاکید داشته باشد (بر خلاف نظریه مبادله انسانها را کاملاً عقلانی ندانسته و معتقد است انسانها در مسیر کسب رضایت خاطر در برابر جاذبه های عاطفی تاثیر پذیرند)

۲- نظریه تضاد باید ترتیب های مادی که بر کنش تاثیر می گذارند را بررسی نماید. کنشگران تحت تاثیر عواملی چون مکانهای فیزیکی شیوه های ارتباطی، ابزار و کالاها و ... قرار می گیرند، اما تاثیر پذیری کنشگران بر حسب منابعی که در اختیار دارند متفاوت خواهد بود.

۳- در موقعیت نابرابر افراد منابع را تحت نظارت دارند و می کوشند افراد فاقد منابع را استثمار کنند و به دنبال نفع بیشتر فردی خود باشند.

۴- از نظریه پردازان تضاد می خواست به پدیده های فرهنگی چون باورها آرمانها از دیدگاه منافع، منابع و قدرت نگاه کنند.

۵- و در نهایت در بررسی علمی قشربندی و جنبه های دیگر جهان اجتماعی صرفاً نظریه پردازی نکرده و فرضیه ها را به صورت تطبیقی و تجربی بررسی کنند و در بررسی علت های پدیده های اجتماعی به علل چندگانه توجه نمایند. (ریتزر، همان: )

کالینز بررسی تضاد را به غیر از نظام قشربندی به پهنه های دیگری مانند روابط دو جنس و گروههای سنی نیز گسترش می دهد که بر حسب منابعی که هریک از گروهها به آن دسترسی دارند موقعیت آنها تعیین می شود. وی سازمانها را نیز عرصه تضاد می داند سازمانها شبکه ها یی از نفوذ میان اشخاص و عرصه هایی هستند که منافع متعارض به نمایش گذاشته می شوند (ریتزر به نقل از کالینز، ۱۹۷۵: ۲۹۵).

## بحرانهای اعتبار(نامه ای) در پایان قرن بیستم:

کالینز آموزش را قسمتی از یک سیستم قشر بندی یا طبقه بندی فرهنگی می داند. دلیل بیستتر دانش آموزان برای ادامه تحصیل، دسترسی به شغل شایسته و مورد علاقه خود یا والدین آنهاست. از نظر کالینز سیستم اعتبار نامه ای از دهه ۶۰ در یک حالت آشکارا بحرانی وارد شده است. افزایش قیمت اعتبارنامه مشاغل تا چند دهه ادامه داشت اما از این نظر تغییری آغاز می شود که آگاهانه به عنوان توری نگاه می شود. با پایان دبیرستان یک دوم نسل جوان گرایش رفتن به دانشگاه داشتند. روی آوری به این اهداف با ارزش کاهش یافت و شغل آبرومندانه هم در سطح دبیرستان یا در سطح سرآمد در سطح کالج تضمین شد. همزمان فشار از جانب اقلیتها و گروههای قومی به ویژه سیاهان و امریکای لاتینیها برای پیوند با نهادهای شغلی و آموزشی مسلط وجود داشت که نتایج آن یک بحران در اعتماد به سیستم و انواع واکنشها و بحرانها بوده است. اصلاحگران انتظار داشتند که حس کنجکاوی عقلانی می تواند به وسیله اصلاحات دوره ای یا به وسیله تغییرات در ساختار اقتدار در مدرسه صورت گیرد و علایق ذهنی خود و این مفهوم را که آموزش منحصر در معنای یک فرجام غیر عقلانی است را به توده ای از دانش آموزان برون فکنی کنند. این مفهوم حتی در پیشنهادات رادیکالی مانند ایوان ایلیچ به کار می رود که آموزش در محیط واقعی یادگیری را پیشنهاد می کند. بیشتر نفی کنندگان مدرسه از قرائت دیگری از آموزش تدریجی صحبت می کنند.

انواع جدید اعتبارنامه ها پیشنهاد شده است به این دلیل که اعتماد عمومی به انواع قدیمی کم شده است افزایش مبارزه برای اعتبارنامه ها در جهت گیری های جدید مسدود می شود. استفاده بی سابقه از مدرک p.h.d به عنوان اعتبار یا مدرکی برای کسب مشاغل تجاری و توسعه عمومی اعتبار درونی و بیرونی مدرسه های تجاری، مهارت های تجاری، پیمانکاری و... تاثیر این انواع تغییر، باز شدن مسیرهای دوره های حرفه ای نیست اما باعث افزایش قطبی شدن و کنترل فنی بر مشاغل می شود. به طور مثال کمپانی های بزرگ اتومبیل و فروشگاههای زنجیره ای هم اکنون مشاغل تعمیرات اتومبیل را برای مهارت آموزان خودشان انحصاری نموده اند. در کل در بخش های جدید که اعتبار مدارس سنتی به آن نفوذ نکرده است الگوی تحدیدی اعتباری ظهور یافته است. انتقال به اعتبار خصوصی قسمتی از بحرانهای عمومی است. مدارس عمومی و دانشگاهها در مواجهه با دو سوگیری با مشکلاتی مواجه می شوند، تورم در سطح عمومی که مدارس را گران و تجملی می کند و در بخش خصوصی رشد هزینه ها و کاهش نرخ ثبت نام باعث بسته شدن تعداد قابل توجهی از نهادهاست. سیستم اعتبارنامه ای مشاغل در بین دو نیروی متضاد قرار می گیرد، از یک جهت سیستم کانونی برای تقویت تولید اقتصادی و افزایش کار است و از طرف دیگر سیستم بسیار گران و بنابر این باعث بی میلی سرمایه گذاران فردی و حامیان سیاسی آنها می شود. پتانسیل وجود بحران در دو جهت حداکثری وجود دارد رشد بازار مدرک و اعتبارنامه و عقب نشینی سرمایه گذاری مادی در آن و سرمایه گذاری کمتر و کساد اقتصادی کارها از طرف دیگر.

کالینز در بیان انواع مختلف سیاست های شغلی به چند نوع سیاست اشاره می کند (کالینز، ۱۹۷۵: ۱۹۳) بعضی از آنها به روشنی استبداد یا اختیار مطلق نظام آموزشی را می پذیرند: سرمایه داری اعتباری<sup>۲</sup> که عدم مداخله دولت در اقتصاد سنتی و گرایش به سمت رقابت فردی که بر اساس مفروضات آن آموزش باید تا جای ممکن به منظور دستیابی به مزایای مادی بیشتر و توصیه های فردگرایانه و نادیده گرفتن تاثیرات جمعی بر ارزش اعتبار رایج باشد. سوسیالیسم اعتباری<sup>۳</sup> و برنامه دولت برای مداخله در توزیع فرصت های تحصیلی

اعتبار گرایی پاتریمونیا - قومی یا اعتبار گرایی حمایتی<sup>۴</sup>، تقاضای مشارکت گروههای قومی اقلیت و برخورداری از حمایت سیاسی. که در واکنش به چنین فشارهایی از اقلیت زیر دست برخی از اعضای گروههای قومی مسلط از چیزی پیروی می کنند که می توان فاشیسم اعتباری<sup>۵</sup> نامید، تلاش برای محروم سازی اقلیت های خاص. فاشیسم اعتباری یک سیستم استبداد سلطه و مالکیت انحصاری گروه قومی را مطرح می کند. در یک جهت متفاوت رادیکالیسم اعتباری<sup>۶</sup> را می توان یافت حمایت از مدارس آزاد یا نفی مدرسه که پیش از این به آن اشاره شد. از دیدگاه کالینز دو موقعیت واقعی و صحیح را در اعتبار گرایی می توان لحاظ نمود که می توان آن را کینزیسم اعتباری نامید از این نظر تحصیلات یک اعتبار تصنعی ایجاد نموده و به لحاظ

2. credential capitalism

3. credential socialism

4. ethnic-patrimonial credentialism or patronage credentialism

5. credential fascism

6. credential radicalism

اقتصادی برای کمبود تقاضای جمعی مفید است. بنابر این سرمایه گذاری هم در سیستم مدرسه و هم مشاغل اعتبارنامه ای تشویق شده و گردش اقتصادی حفظ می شود. خطر این نوع، همانند اقتصاد کینزی تورم است که می تواند به عنوان پیامد تاثیر سیستم، مدیریت شده و تحت کنترل دولت باشد. کالینز ترجیح خود را به طور مشخص منسوخیت گرایی اعتبارنامه ای<sup>۷</sup> می نامد. نه به معنای منسوخ نمودن مدارس بلکه به معنای بازگشت آنان به موقعیتی است که باید خود را به وسیله محصولات درونی خود حمایت کنند. از نظر وی سیستم اعتبار نامه ای بر نرخ تحرک تاثیر نمی گذارد. ترتیب قشر بندی در گروههای قومی باز تولید طبقه در سطوح بالاتر تحصیلی است. مزایای اصلی غیر اعتباری کردن در دو نکته است: اصلاح و بهبود سطح فرهنگ در درون مدارس که به کار ادامه می دهند و باز شدن راهی برای از میان برداشتن نابرابری اقتصادی. از نظر کالینز بشتین ابداعات در موقعیت های کاربردی بوجود می آید و در نوع های کوچکتر خلاقیت بیشتری وجود دارد. سازمان منسجم تر علم اروپایی نشان می دهد که تفوق ساختی بیشتری دارد. (همچنین مقایسه شود کالینز ۱۹۷۵: ۵۷۸). از نظر وی غیر اعتباری کردن تنها راه حرکت به سمت برابری درآمدهاست. شرایط تحصیلی، پایه مهمی برای تفکیک کار در موقعیت های مجزا و مسیرهای زندگی و حفظ بازار قطعه ای شده کار است. فاصله بین مشاغل یقه سفیدو یقه آبی سدی را در پیشرفت مستقیم در همه سازمانها ایجاد نموده و تفاوت در شرایط تحصیلی هر کدام نیز آن را پشتیبانی می کند و به طور دقیق مانع برخورداری اعضای یک گروه از داشتن یک فرصت شغلی برای یادگیری مهارتهای دیگر می شود. تبعیض های جنسیتی و قومی عدم مشروعیت را افزایش می دهند، علاوه بر تفکیکهای جنسیتی و قومی که بازار کار دوگانه را ایجاد می کند شرایط تحصیلی که به شکل تعاریف هر موقعیت نیز ساخته می شود به عنوان معانی جایگزین سلطه گروهها در می آید. و از قول توماس (۱۹۵۶) خاطر نشان می کند که حصارهای تحصیلی موانع اصلی گرایش به برابری حقوق در بازار کار آزاد است. حذف شرایط تحصیلی برای مشاغل یک مرحله ضروری در ساخت یابی مجدد جهان شغلی به منظور تولید بیشتر برابری درآمدهاست. مدارک تحصیلی یک عنصر مهم سیستم محظوراتی است که می تواند از بین برود با ایجاد آسادی برای آموزشهای تخصصی و شاگردی و دستیاری به جای مدارک تحصیلی. حتی وی به بحث در مورد ساخت دادن مجدد اعتباری (مدرکی) حرفه مهمی مانند پزشکی، با حذف تمایز بین پرستاران پزشکان و بهیاران و ترکیب دوره ها بهیاران بیمارستان و تغییر مرحله شاگردی در پزشکی، می پردازد. (ظهور مهارت آموزی های متفاوت و ایجاد تغییر در وظایف موقعیتی آنها) از نظر کالینز تغییرات اساسی در ساخت نابرابری و کیفیت فرهنگ مدرن دلالت بر منسوخ شدن اعتباری کردن است. برنامه بی قید و شرط این نوع تقریباً حذف نیمی از نابرابری های موجود است. برنامه های اجتماعی سوسیالیستی برای از میان برداشتن نابرابری، فقط نیمی از مسئله است. ضریب جینی در کشورهای سوسیالیستی نسبت به سرمایه داری یک دوم است اما نشان داده شده که ساخت نابرابر شغلی در شرایط وجود ضریب جینی پایین تر باقی مانده است و آنها نیز نیاز به انقلاب دومی دارند که کالینز با عنوان غیر مدرک گرایی از آن یاد کرده است. موضوع طبقه بندی اعتباری آینده طبقه بندی شغلی امروزه را خاطر نشان می سازد، که دارایی در موقعیت هاست. این تغییر محتمل است که به صورت تدریجی مجدداً ساخت یابد. بحرانهای مبارزه طبقاتی نه فقط در درون اقتصاد مادی که در درون اقتصاد فرهنگی به طور مداوم تهدید ایجاد می کند. از نظر وی هر چند انتظار یک انقلاب غیر اعتباری کردن یا منسوخ نمودن آن در کوتاه مدت که رد کردن آن در دراز مدت نیز غیر واقعی است. از نظر کالینز "در واقع ما بیش از آنچه که دوست داریم بپذیریم، خیلی همانند جوامع قبیله ای هستیم. به جای تصور ما از کنترل عقلانی، نهادهای ما نه بیشتر از آنچه در مناسک قبیله ای یا جوامع رمزی انتخابهای به شکل بازتابی هستند. رویه های شغلی و تحصیلی ما شباهت زیادی به آن دارد. ما نیز تحت تاثیر فشارهایی همانند آنچه که هندوستان را در طی قرون به شکل کاست های شغلی بسته تغییر می دهد یا شبکه اصناف اروپا را انحصاری می سازد، مگر اینکه در دراز مدت بتوانیم سطح کنترل عقلانی بر نهادهایمان را افزایش داده ما میتوانیم انتظار داشته باشیم که چنین نیروهایی در انتظار ما هستند" (کالینز، ۱۹۷۹: ۲۰۴)

منابع:

۱- ریتزر جورج نظریه های جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی

2- Collins randall, 1979, the late twentieth-century credential crisis. new york: academic press

3- Collins randall, interaction ritual chans, power and property: the micro-macro connection as an empirically based theoretical problems. chapter eight interpretive action and macrostructure.